

تحلیل سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار نظام جمهوری اسلامی ایران بر حفظ سرمایه اجتماعی در استان خوزستان

عبدالامیر عذارینی^۱، حسن خیری^۲، حسین اژدری زاده^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار نظام جمهوری اسلامی ایران بر حفظ سرمایه اجتماعی در استان خوزستان انجام شد. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بود، جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه شهروندان استان خوزستان بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه تصادفی چند مرحله‌ای ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری جهت مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که از طریق تکنیک دلفی طراحی و تدوین شد. داده‌های تحقیق پس از جمع‌آوری بر اساس سوال‌های پژوهش و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سیاست‌های فرهنگی از جمله رفع تبعیض قومیتی، رفع تبعیض مذهبی، عدالت پرورشی، بیدادستیزی، بومی‌گزینی، تسری قوانین کشوری بر حفظ سرمایه اجتماعی در ابعاد مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند. در نتیجه می‌توان با توجه به پیش‌بینی‌های شناسایی شده در این پژوهش در راستای حفظ سرمایه اجتماعی در سطح جامعه گام‌های موثری را برداشت.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سیاست‌های فرهنگی، شهروندان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (Email: amirozare949@gmail.com)

^۲ استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (نویسنده مسئول) (Email: hassn.khairi@gmail.com)

^۳ استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (Email: azhdari.hossein@gmail.com)

مقدمه

امروزه دولت‌ها می‌توانند در تشکیل یا افزایش اشکال سودمند سرمایه اجتماعی نقش موثری را ایفا کنند. در مقابل عدم توجه کافی دولت‌ها بر آثار ناشی از وضع و اجرای سیاست‌های خاص بر ارتباطات اجتماعی و چگونگی انتقال منابع و قدرت میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند به سهولت موجود سرمایه اجتماعی موجود را تحت تأثیر قرار داده و آن را از بین ببرد (Kim, et al., 2017; Liang, et al., 2016). در نتیجه در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی کارآمد عوامل زیادی از قبیل عوامل فرهنگی و تاریخی دخالت دارند (Carmeli, et al., 2009). امروزه گرایش فزاینده‌ای برای مفهوم «سرمایه اجتماعی» و پیامدهای آن برای رفاه جامعه و سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد. ورود این مفهوم به عرصه عمومی از انتشار مطالعه‌ای در سال ۱۹۹۳ آغاز شد که نشان داد، سرمایه اجتماعی می‌تواند نهادهای دموکراتیک را کارآمدتر کند (پوتنام^۱، ۱۹۹۲). یک مطالعه پیشتر نیز نشان داده بود که سرمایه اجتماعی ممکن است برای توسعه سرمایه انسانی فردی مهم باشد (کلمن^۲، ۱۹۸۸). مطالعات اخیر به دنبال ایجاد پیوندهایی بین سرمایه اجتماعی و دیگر موضوعات اجتماعی و اقتصادی بوده است. بانک جهانی «شواهد فراوانی» را گزارش کرده است که سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی در کاهش فقر و توسعه پایدار انسانی و اقتصادی دارد (مصطفوی، ۱۳۹۱).

ویژگی بین رشته‌ای مفهوم سرمایه اجتماعی، ائتلاف گسترده‌ای از دانشمندان رشته‌های مختلف دانشگاهی را موجب شده است که تمامی آنها بر موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری چون بهداشت، جرم، تجدید نسل، اشتغال و پیشرفت آموزشی تمرکز دارند (Stromgren, et al., 2016). در کنار آن از نظر لحاظ کردن شبکه‌ها و هنجارهای مشترک به عنوان شکلی از سرمایه، توجه عده‌ای از اقتصاد دانان را جلب کرده است (Thompson, 2018). در نتیجه سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم پر کاربرد در طیف وسیعی از حوزه‌های علوم اجتماعی است، با وجود اینکه طی دو دهه گذشته این مفهوم از اقبال خوبی در بین محققان برخوردار شده است و حتی وارد گفتگوهای روزمره و ادبیات سیاست مردان شده است، تا مل در راهبردهای ارتقای این نوع سرمایه برای بهره‌مندی از منافع آن، چندان توسعه یافته نیست (پاک شرس، ۱۳۹۳).

یکی از راهبردها و برنامه‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران همواره حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی به منظور بهره‌مندی از آن برای توسعه بوده است، این مهم در برخی از نواحی کشور همچون استان خوزستان با اهمیت بیشتری جلوه پیدا می‌کند، استان خوزستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و اقتصادی همواره از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار بوده است. وجود چاه‌های متعدد نفتی و جلگه‌ای حاصل خیز خوزستان و همچنین عبور رودخانه‌های مهم کارون و اروند که در نهایت به خلیج فارس منتهی می‌شوند، موجب شده است که این منطقه موقعیت ژئوپلیتیک خاصی پیدا کند و همواره مورد توجه حکومت‌های داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد. همچنین این استان به دلیل مرزی بودن از اهمیت استراتژیکی بالایی برخوردار است. اهمیت این استان برای کل کشور بر هیچ فردی پوشیده نیست، حضور اقوام مختلف در این استان یک فرصت محسوب می‌شود و این مسئله نوعی تمرین برای درس وحدت و انسجام ملی به شمار می‌رود، وجود اقوام یک فرصت است و در صورتی که به آنها توجه نشود و غفلتی در این زمینه صورت بگیرد به یک تهدید تبدیل می‌شود. یکی از رسالت‌های مهم فرهنگی، پر کردن خلاءهای موجود در این زمینه است، استان خوزستان با دارا بودن منابع عظیم انرژی و زمین‌های زراعی حاصل خیز، نقش ویژه‌ای در اقتصاد کشاورزی و انرژی کشور ایفا می‌کند، این در حالی است که ساکنین این منطقه در محرومیت و فقر نسبی به سر می‌برند. بنابراین ضرورت دارد جهت جلوگیری از درونی شدن احساس محرومیت، دولت با کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقوام از طریق توجه بیشتر به این مناطق، افزایش میزان بهره‌مندی از رفاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی، تأمین مسکن مناسب، افزایش درصد باسوادان، گسترش تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان، بالا بردن سن امید به زندگی، تأمین اشتغال و امرار معاش، افزایش مهارت‌های زندگی، ارتقای سطح ارتباطات،

1. Putnam

2. Coleman

جهت کاهش فاصله اجتماعی، تقویت پیوندهای اجتماعی بین بخش‌ها و نواحی مختلف، بسط گسترش نگرش‌های فرا منطقه‌ای و فرا قومی زمینه‌های رضایت‌مندی و آسایش بیش از پیش ساکنین این منطقه (اعم از عرب، فارس و لر) فراهم آورده شود، اهمیت این مسئله و بخش فرهنگ به گونه‌ای است که رهبر معظم انقلاب این بخش را همانند هوا برای نفس کشیدن انسان‌ها عنوان می‌کند. بین سیاست‌های فرهنگی هر نظام و حفظ سرمایه اجتماعی، امنیت ملی و ساختار سیاسی آن رابطه متقابل، درونی و تنگاتنگ وجود دارد، که بی‌توجهی به آنها و عدم شناخت بستر مناسب آنها نه تنها امر حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی را دشوار می‌سازد، بلکه امنیت ملی کشور را با مخاطرات زیادی روبرو خواهد ساخت، لذا شناخت ظرفیت‌های استان خوزستان و استفاده از این ظرفیت‌ها نقش بسزایی در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی استان و ایجاد وحدت و همگرایی فرهنگی خواهد شد. نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت تأثیرگذار و نوظهور در طول ۴۰ سال گذشته نقش مهم و غیرقابل انکاری در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی استان خوزستان داشته است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی و شناسایی سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر حفظ سرمایه اجتماعی در استان خوزستان بپردازد. لذا در این تحقیق، تلاش شده میزان تأثیر سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر حفظ سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت سیاسی) استان خوزستان مشخص گردد.

مبانی نظری پژوهش

در یک نظام اجتماعی، تقابل میان کنش‌گران، پایه و اساس نظام به شمار می‌رود. بر مبنای کنش‌های هدفمند، این تقابل در راستای تأمین اهداف نهایی کنش‌گران است (Jha, et al., 2018). تقابل در مبادلات دائمی کالا و خدمات بین افراد و گروه‌ها در هر شکل ساده‌ای از یک جامعه دیده می‌شود و این جامعه را از یک طرف در تولید هنجارهای مشترک، هویت مشترک، اعتماد و اطمینان و از طرف دیگر در روابط اقتصادی قوی با یکدیگر متحد می‌سازد (Pang, 2018).

سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، مهم، قابل توجه و پویاست که با تأکید بر متغیرهای اجتماعی در تحلیل‌های اقتصادی بر غنای علوم اجتماعی می‌افزاید. به تدریج کاربرد سرمایه اجتماعی و مفید بودن آن در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، منطقه‌ای و محلی، مطالعات اجتماع محلی، خانواده، جوانان، مردم سالاری، جرم و خشونت، بهداشت عمومی و پایداری زیست محیطی به اثبات رسیده است. در عین حال، روز به روز محدودیت‌های سرمایه اجتماعی نیز روشن‌تر شده و توجه به آن واقع‌گرایانه شده است (پیران و همکاران، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی در علوم اجتماعی و تأثیرگذار در بسیاری از حوزه‌های جامعه است، و در ادبیات مرتبط با توسعه نیز جایگاه ویژه یافته است به گونه‌ای که برخی آن را حلقه مفقود شده توسعه می‌دانند، با این استدلال که افرادی که از سرمایه اجتماعی بالا برخوردار هستند تمایل بیشتری به زندگی سالم و شادتر و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در جوامع دارند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۴؛ Weil et al., 2018؛ Doornich, 2018). سرمایه اجتماعی با در خدمت مردم بودن برای چگونگی برقراری ارتباط با دیگران، به نوبه خود برای افراد و جوامع نتایج مثبتی از جمله سازگاری با محیط را به همراه داشته است (Brunie, 2009).

منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند (Amore, 2017). سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود (قادری، ۱۳۹۲). کلمن (۱۹۹۶) معتقد است سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌هایی دگرگون شود که کنش را تسهیل کند (Magdol and Bessel, 2003). مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید (Lang & Ramirez, 2017). به دیگر سخن سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند (شب افروزان، ۱۳۹۷).

بر این اساس مفهوم سرمایه اجتماعی دارای دو جز مهم است: ۱- سرمایه اجتماعی منابع جا گرفته در روابط اجتماعی را نسبت به روابط فردی نمایان می‌کند. ۲- دسترسی و استفاده از منابع موجود در اجتماع تنها با عضویت در شبکه‌های اجتماعی مذکور قابل کسب است. بنابراین سرمایه اجتماعی یک جایگاه مشترک برای اعضا و شبکه‌ها خلق می‌کند تا با استفاده از این سرمایه به سود و رفاه بالاتر رسند (جاوید و ایزدی، ۱۳۹۰). ادواردز^۱ (۲۰۰۴)، عقیده دارد که سرمایه اجتماعی به ارزشها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی اجتماعی تفاهم شده مردم نشأت گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط نیز محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۸۶).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است، تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (منظور و یادی پور، ۱۳۸۷). امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی حاصل از آن، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها می‌باشد (Sozobilir, 2018).

در ادبیات مدیریت سرمایه اجتماعی به دو شکل سرمایه اجتماعی افقی و عمودی دیده می‌شود، سرمایه اجتماعی افقی ناشی از روابط میان افراد و گروه‌ها است، که در شکل مشارکت در شبکه‌های اجتماعی رسمی و سطح اعتماد بین فردی تجلی می‌یابد، که ممکن است موجب بهبود وضعیت سلامت، فراهم کردن منابع اجتماعی از طریق ایجاد شبکه‌های افراد و ترویج رفاه شود و سرمایه اجتماعی عمودی ناشی از ارتباط افراد و گروه‌ها با قدرت‌های مختلف، منابع و موقعیت‌های اجتماعی است که درجه اول سلامت مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد، شامل شاخص‌های رفتاری برای توصیف سلامت افراد می‌باشد (Engstrom, et al., 2008; Borgonovi, 2010). بررسی‌های سرمایه اجتماعی به سه طریق در تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری وارد شد:

نخست، بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های فعلی به عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه اشکال سرمایه اجتماعی مد نظر قرار می‌دهد. حتی اگر در اهداف عینی چنین بیانی نیامده باشد. چنین سیاست‌گذاری‌هایی در حوزه‌هایی مانند آموزش، تأمین رفاه، خدمات خانواده و ناحیه، ورزش و هنر، ارتباطات و تأمین خدمات اساسی ایجاد می‌شود. دوم، برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت، اگرچه به طور خاص بر سرمایه اجتماعی متمرکز نیست، می‌تواند بر آن اثر بگذارد. مثلاً قوانین مسئولیت عمومی برای ایجاد انگیزه برای شرکت‌ها و سازمان‌ها در عملکرد ایمن و تأمین ساز و کار برای جبران افرادی که از حوادث رنج می‌برند وضع می‌شوند.

سوم، حضور سرمایه اجتماعی عظیم ممکن است دامنه گزینه‌های خط‌مشی فرا روی دولت را گسترش دهد. تقویت و مهار سرمایه اجتماعی در برخی موارد ممکن است از وابسته شدن به خدمات اجتماعی با پشتیبانی مالی دولت اثر بخش تر باشد (افتخاری، ۱۳۹۲). در نهایت باید عنوان کرد که سرمایه اجتماعی با تعدیل یا از کار انداختن نارسایی‌هایی چون کارایی، کساد سازی سازمانی، مشکل کارگزاری و فساد در بخش عمومی و نیز تنش و تعارض‌های احتمالی بین سیاست‌مداران و بوروکرات‌ها و تقویت نظارت درونی، امکان ارائه همکاری عمومی بهتری را فراهم می‌کند (مصطفوی، ۱۳۹۱). جوامع بهره‌مند از سطوح بالای سرمایه اجتماعی از دستاوردهای توسعه‌ای بهتر و حکومت کاراتری برخوردارند (Roth, 2018). دولت‌هایی که از طریق بستر سازی و اعتماد سازی می‌توانند به تولید سرمایه اجتماعی بپردازند. یعنی بسترهای تحریک و تشویق افراد و ایجاد محیطی که افراد با اعتماد به تولى بپردازند، را توسعه داده است (Utsunomiya, 2016).

¹. Edwards

یکی از مسائلی که در راستای ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع نقش کلیدی ایفا می‌کند سیاست‌های کلان حکمران ها در خصوص حکمرانی خوب می‌باشد، این سیاست‌ها می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... گسترده شود (Wallis & Dollery, 2001; Liang, et al, 2017)، در این راستا کواگلین و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که سیاست‌های فرهنگی حاکم بر توسعه اجتماع پیوند تنگاتنگی با توسعه سرمایه اجتماعی دارد. سیاست‌های کلان دولت برای توسعه و حفظ سرمایه اجتماعی از یک سو حس اعتماد عمومی و همکاری دو سویه - به ویژه در امور پسندیده از نظر اجتماع - در میان اعضای آن و نیز پابندی به قراردادها و تمایل به حفظ قول و قرارها بالا است و از سوی دیگر روحیه فرصت‌طلبی و سواری مجانی گرفتن در میان اعضای آن جامعه اندک است، به گونه‌ای که کنش‌های جمعی با کمترین هزینه ممکن می‌شوند (Wu & Liu, 2019).

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه شهروندان خوزستان به تعداد ۴۷۱۰۴۸۸ بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه تصادفی تک مرحله‌ای ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری جهت مطالعه انتخاب شده است. در این راستا شهرستان‌های استان خوزستان (اهواز، دزفول، ایذه، شوش، شادگان، اندیمشک، بهبان، هویزه، حمیدیه، آبادان، شوشتر، اندیکا، امیدیه، خرمشهر، باغ‌ملک، مسجد سلیمان، دشت آزادگان، ماه‌شهر، رامهرمز، رامشیر، هفتگل، لالی، شادگان، باوی و کتوند) هر کدام به عنوان یک خوشه قلمداد شد که به صورت تصادفی ۱۵ شهرستان (اهواز، آبادان، دشت آزادگان، باوی، حمیدیه، خرمشهر، دزفول، شادگان، رامشیر، شوش، هویزه، مسجد سلیمان، ماه‌شهر، بهبان، ایذه و اندیشمک) جهت بررسی انتخاب شدند و پژوهشگر به شهرستان‌های مذکور مراجعه و اقدام به توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه کرد. برای تعیین حجم نمونه مورد نظر با توجه به حجم جامعه آماری از فرمول کوکران استفاده شد.

ابزار گردآوری پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که با استفاده از تکنیک دلفی طراحی و تدوین شده است. پس از طراحی گویه‌های پرسشنامه بر اساس متون نظری و تجربی، گویه‌هایی پرسشنامه برای متخصصان علوم اجتماعی و علوم سیاسی ارسال و از آنها خواسته شد که درجه اهمیت آن‌ها را مشخص کنند، پس از گردآوری داده‌ها در مرحله اول، رتبه‌بندی‌های به دست آمده درباره مولفه‌های مشخص شده و در مرحله بعد پرسشنامه تنظیم شده که حاوی رتبه‌بندی حاصل از نظرخواهی در مرحله اول بود، برای متخصصان ارسال شد و از آنها خواسته شد که توافق نظر خود را با رتبه‌بندی به دست آمده اعلام کنند. پرسشنامه اولیه دارای ۶۴ گویه بود که پس از توجه کامل، با نظر متخصصان به ۳۰ گویه کاهش یافت. مجدد برای متخصصان ارسال شد و مورد تایید نهایی قرار گرفت. در نتیجه روایی محتوایی و صوری آن مورد تایید متخصصان قرار گرفت. در ادامه یک مطالعه مقدماتی بر روی ۴۰ نفر از نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری در دسترس برای بررسی روایی پرسشنامه از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی صورت گرفت، که مقدار شاخص پایایی‌های ترکیبی (CR) برابر با ۰٫۷۶ و شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۰٫۵۸ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد کافی و مناسب پرسشنامه است. بر پایایی پرسشنامه نیز بر اساس ضریب آلفای کرونباخ $\alpha = ۰/۸۹$ و برای ابعاد آن تبعیض قومیتی ($\alpha = ۰/۷۳$)، رفع تبعیض مذهبی ($\alpha = ۰/۸۷$)، عدالت پرورشی ($\alpha = ۰/۷۸$)، بیداد ستیزی ($\alpha = ۰/۷۱$)، تسری قوانین کشوری ($\alpha = ۰/۹۰$)، بومی‌گزینی ($\alpha = ۰/۸۳$) به دست آمد. پرسشنامه در بخش اول، شامل مشخصات فردی و در بخش دوم شامل ۳۰ گویه که بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (شامل: خیلی کم، نمره ۱، کم، نمره ۲، تا اندازه‌ای، نمره ۳، زیاد، نمره ۴ و خیلی زیاد، نمره ۵) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای شش بعد رفع تبعیض قومیتی (۵ سوال)، رفع تبعیض مذهبی (۵ سوال)، عدالت پرورشی (۵ سوال)، بیداد ستیزی (۵ سوال)، تسری قوانین کشوری (۵ سوال)، بومی‌گزینی (۵ سوال) می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS19 در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح توصیفی از آماره‌های نظیر میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی و در سطح استنباطی از تحلیل عاملی اکتشافی بهره گرفته شد.

یافته های پژوهش

در جدول ۱ ابعاد و گویه های پرسشنامه پژوهش ارائه شده است، تا مبنایی جهت فهم بهتر نتایج پژوهش حاضر فراهم گردد.

جدول (۱): گویه ها و ابعاد پرسشنامه پژوهش

ابعاد	شماره	گویه ها
رفع تبعض قومیتی	۱	مدیریت شکاف بین قومیت های مختلف از سوی مسئولان
	۲	توجه و رسیدگی به قومیت های مختلف به طور یکسان
	۳	توسعه برابر بخش های مختلف کشور با توجه به تفاوت های قومی از تمامی جنبه ها
	۴	اتخاذ تصمیمات قومی و مدیریت سیاسی خردمندان از سوی مسئولان
	۵	کاهش محرومیت های قومی در برخی از اقوام
رفع تبعض مذهبی	۶	وجود حقوق برابر تمامی ادیان و مذاهب در کشور
	۷	وجود سیاست های حمایت کننده مدیریت تنوع مذهبی
	۸	حذف نابرابری های ساختاری برای تمامی ادیان
	۹	تحقق حکمرانی خوب به منظور مدیریت تنوع مذهبی
	۱۰	برابری در کیفیت زندگی ادیان مختلف در کشور.
عدالت پرورشی	۱۱	تحقق برابری، آزادی و عدالت در تمامی سطوح
	۱۲	تامین حقوق اجتماعی در پرتوی دولت فراگیر
	۱۳	توسعه روندها و فرایندهای عدالت محور در مراجعه به سازمان های مختلف
	۱۴	ترویج اصول عدالت محور در برنامه و فعالیت های مختلف از سوی مسئولان
	۱۵	توسعه عدالت سیاسی و اقتصادی در تمامی شئون نظام.
بنیاد ستری	۱۶	ایجاد نظم و استواری اجتماعی
	۱۷	صدای مردم ظلم دیده بودن
	۱۸	دفاع از حقوق مردم در مقابل سوء استفاده برخی از افراد و سازمان ها
	۱۹	تلاش برای گرفتن حقوق مردم ظلم دیده در تمامی جنبه ها.
	۲۰	پیگیری مطالبات به حق مردم در نظام مبتنی بر عدالت
بومی گرایی	۲۱	توجه به ظرفیت ها و پتانسیل های بومی هر منطقه
	۲۲	انتصاب و به کارگیری افراد شایسته بومی در پست های مختلف بویژه پست های کلیدی
	۲۳	توسعه بومی هر منطقه متناسب با شرایط و فرصت های موجود
	۲۴	برنامه ریزی برای نخبه پروری و توسعه استعداد های بومی هر منطقه
	۲۵	عدم به کارگیری افراد از مناطق غیر بومی در پست های کلیدی
تسری قوانین کشوری	۲۶	برنامه ریزی مدون برای آشنایی اقشار مختلف جامعه با حقوق شهروندی
	۲۷	معرفی قوانین مختلف از طریق رسانه های جمعی و فراگیر
	۲۸	هموار سازی و تسری قوانین برای پیشبرد اهداف
	۲۹	نهادینه سازی قانون در تمامی شئون رفتار و دستگاه ها و مسئولان متولی امور
	۳۰	حاکم سازی شرایطی که قانون اتمام حجت تمامی فعالیت ها و برنامه و... باشد

قبل از انجام تحلیل استنباطی لازم بود که از پیش فرض های تحلیل عاملی اکتشافی از جمله نرمال بودن توزیع داده ها، کفایت نمونه برداری و تناسب داده ها برای انجام تحلیل عاملی اطمینان حاصل شود. کلاین^۱ (۲۰۱۱) پیشنهاد می کنند که در تحلیل عاملی، قدر مطلق چولگی و کشیدگی نباید از $1/96 \pm$ بیشتر باشد. با توجه به جدول شماره ۲ قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از مقادیر مطرح شده می باشد.

^۱ . Kline

جدول (۲): شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	جولگی	کشیدگی
سیاست های فرهنگی	۳/۳۸	۰/۴۰	-۰/۵۷	۰/۴۴
رفع تبعیض قومیتی	۴/۰۳	۰/۸۳	-۱/۰۹	۰/۷۴
رفع تبعیض مذهبی	۴/۱۴	۰/۹۹	-۱/۳۵	۱/۱۰
عدالت پرورشی	۳/۰۷	۰/۷۴	-۰/۲۳	۰/۷۶
بیداد ستیزی	۳/۰۴	۰/۶۵	-۰/۶۳	۱/۲۰
بومی گرینی	۳/۰۲	۰/۷۰	-۰/۰۲	۰/۲۲
تسری قوانین کشوری	۲/۹۷	۰/۷۳	-۰/۹۰	۰/۲۴

شاخص کفایت نمونه گیری برابر ۰/۸۱ بود. هر چه اندازه شاخص KMO به ۱ نزدیک تر باشد، «کفایت نمونه گیری» بهتری در انتخاب معرف ها (متغیرهای آشکار) وجود داشته است. نقطه برش اندازه شاخص KMO برای «کفایت نمونه گیری» ۰/۶ بیان شده است یعنی اگر شاخص KMO بالاتر از ۰/۶ باشد، ملاک «کفایت نمونه گیری» برآورد شده است و اگر پایین تر از ۰/۶ باشد به این معنی است که ملاک «کفایت نمونه گیری» برآورد نشده است. بنابراین حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی کافی می باشد. همچنین مقدار آزمون بارتلت ۱۱۳۶۷/۵۲ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است که نشان می دهد ماتریس همبستگی در جامعه برابر صفر نمی باشد. بنابراین شرایط تحلیل عاملی حاصل شده است. در جدول ۳ نتایج مربوط به این دو آزمون آمده است.

جدول (۳): شاخص کفایت نمونه برداری و آزمون کرویت بارتلت

شاخص کفایت نمونه برداری	۰/۸۱
آزمون مجذور کای آزمون بارتلت	۱۱۳۶۷/۵۲
درجه آزادی	۴۳۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

در جدول ۴، بارهای عاملی هر یک از عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی ارائه شده است، مطالعات مقادیر مختلفی برای پذیرش گویه های در تحلیل عاملی عنوان کرده اند، اما یک اتفاق نظر برای مقدار ۰/۳۰ وجود دارد، بر این اساس گزاره هایی که عامل نتوانسته اند بالاتر از ۰/۳۰ از تغییرات آن ها را تبیین کنند، بایستی تعدیل یا حذف گردد. لذا حداقل میزان قابل قبول جهت پذیرش گویه ها در عوامل زیر بنایی، ۰/۳۰ در نظر گرفته شد. بر مبنای نتایج جدول ۴، بار عاملی همه گویه ها بالاتر از مقدار ۰/۳۰ و قابل قبول بودند.

جدول (۴): بارعاملی گویه های تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی

گویه	بارعاملی	گویه	بارعاملی	گویه	بارعاملی	گویه	بارعاملی
۱	۰/۵۶	۹	۰/۸۷	۱۷	۰/۸۳	۲۵	۰/۷۶
۲	۰/۷۸	۱۰	۰/۸۳	۱۸	۰/۷۵	۲۶	۰/۴۶
۳	۰/۷۷	۱۱	۰/۵۸	۱۹	۰/۶۹	۲۷	۰/۷۶
۴	۰/۸۱	۱۲	۰/۷۶	۲۰	۰/۶۳	۲۸	۰/۶۷
۵	۰/۷۰	۱۳	۰/۸۹	۲۱	۰/۶۵	۲۹	۰/۵۴
۶	۰/۳۳	۱۴	۰/۸۳	۲۲	۰/۵۴	۳۰	۰/۶۲
۷	۰/۸۸	۱۵	۰/۹۰	۲۳	۰/۴۷	-	-
۸	۰/۸۷	۱۶	۰/۶۶	۲۴	۰/۷۵	-	-

در مرحله بعد از تحلیل عاملی، ارزش های ویژه عامل ها با روش تحلیل مؤلفه های اصلی و قدرت تبیین واریانس و درصد تجمعی واریانس آزمون مشخص شد، همانگونه که در جدول ۵ مشخص است ۷۰/۹۱ درصد از واریانس کل را تبیین می کند که قدرت تبیین نسبتاً مناسبی است.

جدول (۵): مجموع مجزورات بارهای عاملی استخراج شده

عامل	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تجمعی واریانس	ارزش ویژه بعد از چرخش
رفع تبعیض قومیتی	۷/۶۸	۲۵/۶۳	۲۵/۶۳	۶/۵۸

۵/۱۱	۴۳/۱۴	۱۷/۵۱	۵/۲۵	رفع تبعض مذهبی
۳/۷۶	۵۷/۲۷	۱۴/۱۲	۴/۲۳	عدالت پرورشی
۲/۶۱	۶۲/۳۸	۵/۱۱	۱/۵۳	پیداد ستزی
۱/۸۱	۶۶/۸۷	۴/۴۹	۱/۳۴	بومی گزینی
۱/۳۸	۷۰/۹۱	۴/۰۴	۱/۲۱	تسری قوانین کشوری

ماتریس دوران یافته گویه های عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی بعد از چرخش واریماکس در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول (۶): ماتریس دوران یافته گویه ها و عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی

سیاست های فرهنگی بر			گویه ها
اعتماد اجتماعی	انسجام اجتماعی	مشارکت سیاسی	
-	-	۰/۵۵	۳
-	-	۰/۸۵	۵
-	-	۰/۸۵	۷
-	-	۰/۸۷	۱۱
-	-	۰/۵۴	۱۵
-	-	۰/۵۲	۱۷
-	-	۰/۹۲	۲۱
-	-	۰/۹۱	۲۵
-	-	۰/۹۰	۲۷
-	-	۰/۸۸	۲۸
-	۰/۶۴	-	۱
-	۰/۷۳	-	۴
-	۰/۸۹	-	۸
-	۰/۸۱	-	۱۰
-	۰/۹۱	-	۱۲
-	۰/۵۱	-	۱۸
-	۰/۸۸	-	۲۰
-	۰/۷۵	-	۲۳
-	۰/۷۶	-	۲۴
-	۰/۶۵	-	۲۶
-	۰/۷۸	-	۲۹
۰/۷۰	-	-	۲
۰/۴۸	-	-	۶
۰/۸۴	-	-	۹
۰/۸۱	-	-	۱۳
۰/۵۴	-	-	۱۴
۰/۸۲	-	-	۱۶
۰/۷۹	-	-	۱۹
۰/۶۷	-	-	۲۲
۰/۵۰	-	-	۳۰

بحث و نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی که موضوعی فرهنگ مدار و کلید واژه های ادبیات آن بر اعتماد، انسجام و مشارکت سیاسی استوار است، از جایگاهی قابل توجه در اداره نظام های امروزی برخوردار می باشد. این بدین معنی می باشد که توانایی تعیین اولویت ها به گونه ای با دارایی های

نامرئی مانند جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌ها همسو بوده و اعتبار معنوی را پدید می‌آورد. شناخت سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های مختلف کشور و نحوه تأثیر گذاری آنها وظیفه‌ای است، که باید مسئولان، مدیران و نخبگان جامعه با تلاشی بیشتر به آن پردازند و دلایل عدم اجرای سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران که در سند چشم‌انداز توسعه مطرح شده است را بیابند، چرا که سیاست‌های فرهنگی هر نظام، اولاً زیربنای رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور می‌باشند. ثانیاً حفظ سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت سیاسی) کشور به این سیاست‌ها وابسته است. تجزیه و تحلیل سوال‌های پژوهش نشان داد که سیاست‌های فرهنگی از جمله رفع تبعیض قومیتی، رفع تبعیض مذهبی، عدالت پرورشی، بیدادستیزی، بومی‌گزینی، تسری قوانین کشوری بر حفظ سرمایه اجتماعی در ابعاد مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند.

جهان‌بخش و حق‌پناه (۱۳۹۴) در مطالعه خود بیان داشتند، که سیاست‌گذاری در عرصه‌های اجتماعی جلوه‌گر عقلانیت و تلاش برای هدایت جامعه و ساماندهی مناسبات اجتماعی با مرجعیت کلان قدرت مستقر است. از نظر آنها یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاست‌گذاری را می‌بایست، مدیریت تنوعات اجتماعی از جمله تنوعات قومی دانست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به رغم دستاوردهای قابل توجه سیاست‌گذاری در این عرصه، عموماً تابع ادراک مبتنی از محیط داخلی و خارجی و فقدان راهبردی به سیاست‌گذاری در باب اقوام ایرانی در دو دهه نخست و ناهماهنگی در اجرای راهبردهای سیاست‌های کلان نظام است. زندحسامی و حقیقت‌طلب (۱۳۹۲) بیان داشتند که برای توسعه همه‌جانبه یک کشور مشارکت همه گروه‌ها مخصوصاً جوانان مورد نیاز است. جوانان از آنجای که عمر باقی مانده طولانی و همچنین انرژی فراوانی دارند، می‌تواند در این راستا مفید فایده فراوان باشند. ولی برخی از ویژگی‌ها و شرایط جامعه معاصر می‌تواند باعث کاهش مشارکت اجتماعی و در نتیجه انزوا طلبی آنها شود. عدم مشارکت اجتماعی و انزوای اجتماعی به معنای ضعف روابط و پیوندهای اجتماعی افراد با جامعه و نظام حاکم و همچنین با نهادها و سازمان‌های اجتماعی می‌باشد. طباطبایی و مرجلیلی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای گزارش کردند که عواملی چون تعلقات تاریخی، تعهدات فرهنگی و میزان اعتماد، اعتقاد به دین از جمله عواملی هستند که در میزان انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، بطور کلی یافته‌های حاصل از پژوهش آنان نشان می‌دهد که هرچه تعلقات تاریخی، تعهدات فرهنگی و اعتقادات دینی افزایش یابد، به نسبت میزان اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی و در کل، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. این نتایج حاصل همسو با یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

در راستای نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که سیاست‌های فرهنگی نظام در راستای رفع تبعیض قومیتی، مذهبی، توسعه عدالت پرورشی، ظلم‌ستیزی و بیدادستیزی، توجه به بومی‌گزینی و تسری قوانین در تمامی بخش‌های کشور می‌تواند حفظ سرمایه اجتماعی را منجر شود، به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این‌رو شناسایی عوامل موثر در تقویت سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی می‌توان به آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی‌ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیر رسمی همیارانه در فعالیت‌های داوطلبانه در تشکلهای غیردولتی، خیریه‌ای، مذهبی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و علمی و... اشاره کرد. بر این اساس در مجموع سه عنصر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی مفهوم سازی خواهند شد، اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد جامعه افزایش دهند قلمداد کنیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند، نقش سیاست‌های فرهنگی نهادهای متولی امر در تشکل این سرمایه است. چرا که آنها می‌توانند زمینه ساز و تسهیل‌گر حفظ و توسعه ابعاد سرمایه اجتماعی باشند.

در راستای تاثیر گذاری سیاست های فرهنگی بر حفظ اعتماد اجتماعی می توان بیان داد هنگامی که مسئولین نظام در تمامی سطوح توجه و رسیدگی یکسانی به قومیت های مختلف داشته باشند، قائل به وجود حقوق برابر برای تمامی ادیان و مذاهب باشند، در تلاش برای حکمرانی خوب به منظور مدیریت تنوع مذهبی و فرهنگی باشند، اعتماد اجتماعی در نهاد اجتماع حفظ خواهد شد، این مهم همچنین به واسطه توسعه روندها و فرایندهای عدالت محور در مراجعه به سازمان های مختلف، ترویج اصول عدالت محور در برنامه ها و فعالیت های مختلف از سوی مسئولین نظام، ایجاد نظم و استواری اجتماعی، تلاش برای گرفتن حقوق مردم ستم دیده، انتصاب و به کار گیری افراد شایسته بومی، نهادینه سازی قانون در تمامی شئون رفتارهای دستگاه های و مسئولان متولی امر و حاکم سازی شرایطی که قانون اتمام حجت تمامی فعالیت ها و برنامه ها باشد، می تواند حفظ و توسعه اعتماد اجتماعی را به ارمغان آورد. اعتماد اجتماعی یکی از کارکردهای مهم و عمده سرمایه اجتماعی است. به عبارت دیگر اگر سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کند، اعتماد اجتماعی هم افزایش پیدا می کند. چون بین سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیمی و مثبتی وجود دارد.

در راستای تاثیر گذاری سیاست های فرهنگی بر حفظ انسجام اجتماعی می توان بیان کرد، هنگامی که سطوح مختلف نظام در تلاش برای کاهش شکاف بین قومیت های مختلف و مدیریت آن باشند، اتخاذ تصمیمات مبتنی بر مصحلت های ملی و قومی باشد، مدیریت سیاسی خردمندانه در روند تصمیمات مد نظر آنها قرار گیرد انسجام اجتماعی در جامعه حفظ و افزایش می یابد، این مهم به واسطه حذف نابرابری های ساختاری برای تمامی ادیان و مذاهب، برابری در کیفیت زندگی آنها، تامین حقوق اجتماعی فراگیر برای همه اقشار جامعه، دفاع از حقوق مردم در مقابل سوء استفاده برخی از افراد و سازمان ها، پیگیری مطالبات به حق مردم در نظام مبتنی بر عدالت، توسعه بومی هر منطقه متناسب با شرایط و فرصت های موجود، برنامه ریزی برای نخبه پروری و توسعه استعداد های بومی هر منطقه، برنامه ریزی مدون برای آشنایی اقشار مختلف جامعه با حقوق شهروندی افزایش می یابد و می توان شاهد پیوند لایه های مختلف جامعه به یکدیگر بود. انسجام اجتماعی از شروط لازم برای فعالیت های اجتماعی است. انسجام اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت بخش خود تطابق و همنوایی داشته باشد. همبستگی و انسجام احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه یک وظیفه یا الزام متقابل است و نیز یک معنای مثبت از آن بر می آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات را در قابل یک کل سازمان یافته به هم پیوند می زند.

در راستای تاثیر گذاری سیاست های فرهنگی بر حفظ مشارکت سیاسی می توان بیان کرد که هنگامی ساختار نظام به توسعه برابر بخش های مختلف کشور با توجه به تفاوت های قومی از تمامی جنبه ها توجه ویژه داشته باشد، محرومیت زدایی در دستور کار باشد، سیاست های حمایت کننده از تمامی مذاهب و ادیان مورد توجه باشد، تلاش برای تحقق برابری، آزادی و عدالت در تمامی سطوح نظام مورد پیگیری جدی قرار گیرد، مشارکت سیاسی در تمامی سطوح مختلف جامعه افزایش می یابد، این مهم به واسطه توسعه عدالت سیاسی و اقتصادی، بیدادستیزی، توجه به ظرفیت ها و پتانسیل های بومی هر منطقه، عدم به کار گیری افراد از مناطق غیر بومی در پست های کلیدی، معرفی قوانین مختلف از طریق رسانه های جمعی و فراگیر، هموار سازی و تسری قوانین برای پیشبرد اهداف و برنامه می تواند افزایش یابد. مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی است. این مشارکت در درجه ی اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه ی افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است یا در قالب فعالیت های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد. در راستای نتایج به دست آمده پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

۱. پیشنهاد می‌شود که مسئولان امر در راستای رفع بیشتر تبعیض قومیتی با به کارگیری مدیریت سیاسی خردمندانه از جمله بالا بردن کیفیت زندگی و توجه و رسیدگی به مشکلات و نیازمندی‌های همه اقشار جامعه شکاف‌های قومیتی را کاهش دهند و در تصمیمات خود تلاش کنند منافع ملی و قومی را بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می‌شود که وجود حقوق برابر برای تمامی ادیان و مذاهب بیش از پیش مورد توجه مسئولان قرار گیرد این مهم می‌تواند از طریق توسعه اصول عام حقوق بشری و اصل عدم تبعیض، افراد متعلق به اقلیت‌های دینی را از تمام حقوق انسانی که در قوانین مصوب نظام جمهوری اسلامی ایران به آنها اشاره شده است، مورد توجه قرار گیرد و با تحقیق حکمرانی خوب مدیریت تنوع مذهبی را به عنوان یک راهبرد کلیدی سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.
۳. پیشنهاد می‌شود که اصول برابری، آزادی و عدالت در تمامی سطوح نظام همچنان مورد توجه مسئولان قرار گیرد در این راستا می‌توان با توزیع عادلانه منابع و امکان فرصت‌های برابر برای پیشرفت گام‌های موثری برداشت همچنین تلاش شود بیش از پیش به تامین حقوق اجتماعی و ترویج اصول عدالت محور در برنامه‌های خرد و کلان کشوری و استانی پرداخته شود.
۴. پیشنهاد می‌شود همچون گذشته پیگیری مطالبات به حق مردم ستم دیده در دستور کار مدیران قرار داشته باشد و دفاع از حقوق مردم در مقابل سوء استفاده برخی از افراد و سازمان (همچون موسسه‌های پولی و مالی غیر معتبر) به عنوان یک وظیفه مورد پیگیری جدی مسئولان باشد.
۵. پیشنهاد می‌شود که در برنامه ریزی‌های خرد و کلان ظرفیت‌های و پتانسیل هر منطقه مورد استفاده قرار گیرد و مسئولان در تلاش باشند به توسعه هر منطقه متناسب با فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در آن منطقه به صورت یکسان پردازند و سیستمی نهادینه شود که به شناسایی استعدادها و نخبه‌های هر منطقه به منظور بهره‌گیری از آنها برای توسعه آن منطقه بپردازد.
۶. پیشنهاد می‌شود که تسری قانون در تمامی سطوح جامعه بیشتر از گذشته مدنظر مسئولان قرار گیرد این مهم می‌تواند از طریق غنی‌سازی برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی در بستر رسانه‌های جمعی دیداری و نوشتاری و همچنین التزام دولتمران به رعایت قانون محقق شود.

منابع

۱. افتخاری، رضوان (۱۳۹۲). رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار گردشگری در روستای ایبانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. پاک سرشت، سلیمان (۱۳۹۳). ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، نشریه راهبرد فرهنگ، ۲۵(۱): ۷۱-۱۰۴.
۳. پیران، پرویز؛ موسوی، میرطاهر و شبانی، ملیحه (۱۳۸۵). کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)، رفاه اجتماعی، ۲۳(۶): ۹-۴۵.
۴. جاوید، محمدجاوید و ایزدی، اصغر (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. زندحسامی، حسام و حقیقت طلب، مریم (۱۳۹۳). شناسایی و رتبه‌بندی موانع جریان دانش بر اساس چرخه مدیریت دانش سازمان، مدیریت صنعتی، ۱۲(۱): ۱-۱۲.
۶. شب افروزان، صفری (۱۳۹۷). نظریه‌های سرمایه اجتماعی در توسعه، تهران: نشر وانیان.
۷. طباطبایی ندوشن، سید روح‌الله و میرجلیلی، علی محمد (۱۳۹۵). تأثیر پذیری امام خمینی از الگوی نظارتی امام علی بر کارگزاران، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۲(۵): ۶۱-۷۹.

۸. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر حکایت قلم نوین.
۹. قادری، رضا (۱۳۹۲). بررسی نقش مسائل وموانع اجتماعی واقتصادی توسعه سرمایه گذاری در شهرستان خلخال، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
۱۰. قبری، سیروس؛ بهشتی راد، رقیه؛ سلطانهزاده، وحید (۱۳۹۴). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای فرانشی و تعهد سازمانی: آزمون نقش میانجی مسؤلیت پذیری اجتماعی، نشریه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۲(۶): ۳۸-۹.
۱۱. محمدتقی، جهانبخش و حق پناه، جعفر (۱۳۹۳). روابط سیاسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در سایه تحریم های غربی درباره مناقشه اوکراین، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۷(۲۲): ۱۸۱-۲۱۰.
۱۲. مصطفوی، زینب السادات (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر راه‌اندازی کسب و کار خانگی، پایا نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه سیراز.
۱۳. منظور، داوود و یادی پور، مهدی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی، نشریه راهبرد یاس، ۱۵(۳): ۱۴۰-۱۶۳.

1. Amore, M., (2017). Social capital and family control, *Explorations in Economic History*; 65: 106-114.
2. Borgonovi, F. (2010). A life-cycle approach to the analysis of the relationship between social capital and health in Britain, *Social Science & Medicine*; 71: 1927-1934.
3. Brunie, A. (2009). Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital, *Social Science Research*, 38,251–265.
4. Carmeli, A., Ben-Hador, B., Waldman, D. A., & Rupp, D. E. (2009). How leaders cultivate social capital and nurture employee vigor: Implications for job performance. *The Journal of Applied Psychology*; 94(6): 1553–1561 .
5. Coleman, J. S, (1996). Social Capital in the Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology supplement*; 94: 244-251.
6. Doornich, J.B. (2018). Managerial learning from social capital during internationalization, *International Business Review*, 27(4): 877-892.
7. Edwards, R. (2004). Present and absent in troubling ways: families and social capital debates. *The Sociological Review*; (52): 1–21.
8. Jha, A., Boudreaux, J., & Banerjee, V. (2018). Political leanings and social capital, *Journal of Behavioral and Experimental Economics*; 72(2): 95-105.
9. Kim, M., Lee, C., Preis, M. (2016). Seniors' loyalty to social network sites: Effects of social capital and attachment, *International Journal of Information Management*; 36(6): 1020-1032.
10. Kline, R.B. (2011). Principles and practice of structural equation modeling. Second Edition, New York: The Guilford Press.
11. Lang, T., & Ramírez, G. (2017). Building new social capital with scenario planning, *Technological Forecasting and Social Change*; 124: 51-65.
12. Liang, Y., Jiang, C., Ma, L., Liu, L., Liu, L. (2017). Government support, social capital and adaptation to urban flooding by residents in the Pearl River Delta area, China, *Habitat International*, 59: 21-31.
13. Liang, Y., Jiang, C., Ma, L., Liuab, L., Chen, W., & Liua, L. (2017). Government support, social capital and adaptation to urban flooding by residents in the Pearl River Delta area, China, *Habitat International*; 59:21-31.
14. Magdol, L. & Bessel, D. R (2003), Social Capital, Social Currency, and Potable Assets: The Impact or Residential Mobility on Exchanges of Social Support, *Personal Relationships*; 10:149-169.
15. Pang, H. (2018). How does time spent on WeChat bolster subjective well-being through social integration and social capital? *Telematics and Informatics*; 35(8): 2147-2156.
16. Putnam, R.D. (1992). *Making Democracy Work*. New Jersey: Prinseton University Press.
17. Quaglione, D., Cassetta, E., Crociata, A., Marra, A., & Sarra, A., An assessment of the role of cultural capital on sustainable mobility behaviours: Conceptual framework and empirical evidence, *Socio-Economic Planning Sciences*, 66: 24-34.
18. Roth, T. (2018). The influence of parents' social capital on their children's transition to vocational training in Germany, *Social Networks*, 55: 74-85.
19. Sozibilir, F. (2018). The interaction between social capital, creativity and efficiency in organizations, *Thinking Skills and Creativity*; 27(1): 92-100.
20. Stromgren, M., Eriksson, A., Bergman, D., & Dellve, L. (2016). Social capital among healthcare professionals: A prospective study of its importance for job satisfaction, work engagement and engagement in clinical improvements. *International Journal of Nursing Studies*; 53: 116–125.

21. Thompson, M., (2018). Social capital, innovation and economic growth, *Journal of Behavioral and Experimental Economics*; 73: 46-52.
22. Utsunomiya, K. (2016). Social capital and local public transportation in Japan, *Research in Transportation Economics*, 59:434-440.
23. Wallis, J., & Dollery, B. (2001). Government Failure, Social Capital and the Appropriateness of the New Zealand Model for Public Sector Reform in Developing Countries, *World Development*, 29(2): 245-263.
24. Weil, F., Lee, M.R., & Shihadeh, E.S. (2011). The burdens of social capital: How socially-involved people dealt with stress after Hurricane Katrina, *Social Science Research*, 41(2):1-10.
25. Wu, B., & Liu, L. (2019). Social capital for rural revitalization in China: A critical evaluation on the government's new countryside programme in Chengdu, *Land Use Policy*, 26:103-119.